

وفات‌نامه گونه‌ای ناشناخته در شعر شیعی

سعید بزرگ بیگدلی^۱، اکرم کرمی^۲

چکیده

شعر شیعی با تنوع مضامین، رویکردها، کارکردها و قالب‌های شعری در دوره‌های تاریخی مختلف توانسته است به صورت جریانی مستمر و پویا تداوم یابد. محبان اهل‌بیت با عشق و شوری خاص، خالصانه‌ترین بخش ادبیات تشیع را تا قبل از استقرار حکومت صفویان با وجود موانع و تهدیدات فراوان خلق کردند. هنوز پژوهش‌های گسترده در دیوان‌ها و جُنگ‌های شیعی به‌جامانده از گذشته صورت نگرفته است؛ اما همین میزان انجام‌شده نشان می‌دهد شعر شیعی و گونه‌های مختلف آن توانسته است هم در حوزه شکلی و هم محتوایی بر تنوع و غنای شعری در ادبیات فارسی بیفزاید. از آن جمله شکل‌گیری گونه‌ها و زیرگونه‌های جدید است که در این مقاله برآنیم تا نمونه‌ای از آن را معرفی نماییم که از جُنگ‌های خطی استخراج کرده‌ایم. تقسیم‌بندی این‌گونه براساس محتوا و درون‌مایه آن است که به صورت عنوان در آغاز اشعار ذکر شده است. عنوانی که بعدها به مرور زمان و در اثر تکرار بیانگر یک نوع و گونه ادبی در ادبیات دینی ما شده است. در این مقاله برای نخستین بار گونه «وفات‌نامه» مطرح و معرفی می‌شود و نمونه‌هایی از دیوان‌ها و نسخه‌های خطی برای شاهد مثال آورده می‌شود. بدیهی است با بررسی‌های وسیع‌تر به انواع تازه‌تری در اشعار شیعی دست یافت.

واژه‌های کلیدی

شعر شیعی، گونه‌های ادبی، وفات‌نامه

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۴

این مقاله با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران ریاست جمهوری به رشته تحریر درآمده است.

bozorgh@modares.ac.ir

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

kram.karami@modares.ac.ir

۱. مقدمه

شعر شیعی در همان دهه‌های آغازین شکل‌گیری ادبیات فارسی به صورت جریان‌ی خودجوش و مردمی پدید آمد و شاعران آزاده و بزرگی چون فردوسی، کسایی، ناصر خسرو در صدر این جریان قرار گرفتند و در ادامه در قرون هفتم تا نهم شاعرانی برجسته چون حسن کاشی، سلیمی تونی و ابن حسام خوسفی در مسیر شعر شیعی درخشیدند. از قرن چهارم تا قبل از عصر صفوی، مدح و منقبت مولای شیعیان، امیرالمؤمنین و اهل بیت ایشان به صورت یکی از موضوعات برجسته در شعر شیعی ملاحظه می‌شود. اظهار تشیع در طول قرن‌های گذشته باوجود حاکمان و حکومت‌های متعصب امری دشوار و خطرآفرین بوده است. باوجود این محبان اهل بیت با عشق و شوری خاص، خالصانه‌ترین بخش ادبیات تشیع را در سخت‌ترین دوره‌های تاریخی تا قبل از استقرار صفویه خلق کردند. بعد از ظهور صفویه شاهد رشد چشمگیری در شعر شاعران شیعه هستیم که البته این امر نه به سبب محبت خالصانه حاکمان صفوی به شعر شیعی صورت گرفته است، بلکه به سبب سیاست‌های هوشمندانه حاکمان صفوی در ارتقای ظرفیت‌های سرکوب شده قبل از حکومت ایشان است. صفویه در این شرایط از ظرفیت‌های سرکوب شده شیعیان از جمله شعر شیعی؛ برای بهتر جلوه دادن حکومت خویش بهره گرفته‌اند.

شعرا قبل از عصر صفوی ضمن بیان ارادت خالصانه خود به اهل بیت و دستمایه قراردادن فضائل، مناقب، جوانمردی‌ها، رشادت‌ها، جنگ‌ها، معجزات شگرف روایت شده از ائمه معصومین علیهم‌السلام، با استناد به وقایع مختلف تاریخی، فقهی، کلامی و نیز آیات و روایات، به اثبات حقانیت شیعه پرداختند و به این طریق شعر را ابزار تبلیغ مذهب و باورهای خود در تاریخ قرار دادند. این اشعار به جهت تنوع مضامین، رویکردها و قالب‌های شعری در دوره‌های تاریخی مختلف در گونه‌های متنوعی سروده شده است. طبقه‌بندی این اشعار در قالب انواع ادبی می‌تواند منجر به دستیابی به اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، عرفانی و جامعه‌شناختی شود که ما را در مطالعات مختلف از جمله در شناخت تاریخ تفکر و اندیشه شیعه یاری رساند. در پژوهش پیش‌رو این فرضیه مطرح می‌شود که وفات‌نامه یک مضمون برجسته در شعر شیعی است و ظرفیت بررسی در قالب یک زیرگونه ادبی را دارد.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از زمینه‌های تحقیقاتی در گستره شعر شیعی، شناخت انواع ادبی در این حوزه است که تا به این زمان در این باره پژوهشی جامع صورت نگرفته است؛ بلکه به شکل موردی تعدادی محدود از این انواع به صورت مستقل در آثاری معرفی شده است. در این حوزه پژوهشی - گونه شناسی شعر شیعی - فقط می‌توان به پایان‌نامه دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان بررسی ولایت‌نامه به مثابه گونه ادبی خاص شیعی در قرن نهم از حمزه کفاش و مقاله - ای با عنوان حمله‌نامه سرایی از حسن ذوالفقاری اشاره کرد. البته قابل ذکر است که اگر پژوهش‌هایی در عرصه شعر شیعی صورت گرفته باشد از حیث محتوایی بوده نه گونه شناسی. اشاره می‌شود که گونه‌های ادبی ذکر شده - ولایت‌نامه و حمله‌نامه - در این مقاله بررسی نمی‌شوند. بسیاری از انواع شعر شیعی از جمله موردی که در این مقاله برای نخستین بار معرفی می‌شود، ناشناخته مانده‌اند که شاید دلیل اصلی آن ناشناخته ماندن پژوهش در ادبیات تشیع به‌ویژه در محیط دانشگاهی است.

۳. روش پژوهش

در این مقاله ابتدا به بیان ملاک تعریف انواع ادبی پرداخته شده و در ادامه گونه ادبی وفات - نامه معرفی، بررسی و تحلیل می‌شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی با رویکرد انواع ادبی است و از ابزار کتابخانه‌ای بهره گرفته می‌شود. قلمرو این تحقیق بررسی گونه ادبی وفات‌نامه در متون منظوم فارسی از ابتدا تا قرن دهم است. البته در ضمن معرفی گونه‌ها، چند جُنگ شعر شیعی نیز معرفی می‌شود.

سؤالاتی که در این مقاله بررسی می‌شود به شرح زیر است:

۱-۳. گونه «وفات‌نامه» چه گونه‌ای است و بیشتر در چه سبک و قالب ادبی سروده شده -

است؟

۲-۳. زیرگونه‌های نویافته و گونه معرفی شده چه تأثیری بر جریان شعر شیعی داشته -

است؟

۳-۳. ویژگی‌های ادبی و زبانی گونه «وفات‌نامه» چیست؟

۴. مبانی نظری

انواع و گونه‌های مختلف ادبی در طول تاریخ به تدریج شکل گرفته‌اند، تحول و تغییر پیدا کرده‌اند و بعضی از آنها کنار گذاشته شده‌اند. عوامل متعددی در فرآیند شکل‌گیری یا کنار

گذاشتن آنها تأثیر دارد. از آن جمله می‌توان عوامل اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فکری را نام برد. تولد و ظهور شاهکارها در یک برهه از تاریخ ادبیات - که البته خود بی‌تأثیر از عوامل نامبرده نیست - می‌تواند آغازگر یا مجدد یک نوع ادبی خاص گردد. تقسیم‌بندی آثار ادبی به گونه‌های ادبی کمک شایانی به نقد و شناخت این آثار و التذاذ بهتر از متون می‌کند؛ اما روش تقسیم‌بندی اشعار به انواع ادبی بسیار مهم است. هرچند امروزه به باور بعضی از محققان مرزهای این انواع مانند گذشته تعریف شده و مشخص نیست و باید در تقسیم‌بندی قدما بازنگری کرد (رک زرقانی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۴). برای مثال معلوم نیست درنهایت ملاک تعریف و تمایز این انواع، قالب و فرم است یا محتوا؟

۱-۴. انواع ادبی در شعر فارسی

«انواع ادبی در ردیف نظام‌هایی از قبیل سبک‌شناسی و نقد ادبی، یکی از اقسام جدید علوم ادبی یا به قول فرنگی‌ها یکی از شعبه‌ها و مباحث نظریه ادبی^۱ است و موضوع اصلی آن طبقه‌بندی کردن آثار ادبی در گروه‌های محدود و مشخص است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳).

نظریه انواع ادبی منبعث از آرای افلاطون و ارسطو است و این آرا تاکنون در میان منتقدان ادبی محل بحث و نظر بوده است. «ارسطو شعر را به سه نوع حماسه، کمدی و تراژدی تقسیم می‌کند که کمدی و تراژدی در حقیقت دو گونهٔ درام هستند» (پارساپور، ۱۳۸۱: ۱۲).

«هرچند که ارسطو از ادب غنائی بحث نمی‌کند؛ ولی به‌طور کلی می‌توان گفت قدمای غرب ادبیات را به سه نوع حماسی، غنائی و نمایشی - شامل دو زیرشاخهٔ تراژدی و کمدی - تقسیم می‌کنند» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۶). برخی محققان دیگر نوع تعلیمی را هم به این انواع اضافه کرده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها در میان منتقدان مسلمان هم رایج بود، اما نه به استواری نظریهٔ ارسطویی. «مثلاً جاحظ ارکان شعر را بر چهار قسم برمی‌شمرد: مدح، هجاء، حکمی و بزمی یا قدامه، شعر عرب را بر دو گونهٔ مدح و هجو تقسیم می‌کرد و دیگر اغراض شعر را منشعب ازین دو نوع به شمار می‌آورد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۰).

۱-۴. انواع ادبی در شعر فارسی با تأکید بر محتوا

شیعی کدکنی در مقاله‌ی *انواع ادبی و شعر فارسی* اشاره‌ای به تقسیم‌بندی آثار ادبی در ادبیات ملل اسلامی دارد و بیان می‌دارد که تقسیم‌بندی آثار ادبی در ادبیات شرقی و اسلامی اصلاً مطرح نبوده است. البته در ادبیات ملل اسلامی به تأثیر طرز فکر ادیبان عرب، آثار ادبی، (فقط شعر) از دیدگاه ظاهر آن تقسیم‌بندی شده است که فقط صورت ظاهر و شکل اثر ادبی را مورد نظر قرار دهند نه عمق معنوی و حوزه اندیشگی و عاطفی آن را (۱۳۵۲: ۹۷)؛ اما در مورد شعر فارسی، معمول چنان بوده است که یا برحسب «قالب‌های شعر فارسی که در آنها طول مساوی وزنی مصراع‌ها و شیوه کاربرد قافیه، قالب‌ها را تعیین می‌کرد، یا برحسب زمینه معنایی شعر قسمت می‌کردند. در تقسیم‌بندی نوع اول، سخن از انواعی می‌رفت مثل قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، مستزاد و در تقسیم‌بندی نوع دوم از انواعی مانند حماسه، مدح، غزل، رثا، هجاء، خمیره، وصف، رزم، بزم، بٹ شکوی سخن به میان می‌آمد. تقسیم‌بندی برحسب قالب به سبب محدودیت قالب‌های شعر کلاسیک ثابت است و کمتر دچار نوسان می‌شود؛ اما تقسیم‌بندی معنایی ممکن است که با افزایش تنوع معنایی شعر و نیز با نظر تقسیم‌کننده افزایش یابد یا اسامی آن تغییر کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۸). برای مثال می‌توان اشعار فارسی را از نظر محتوا و موضوع شعری و نوع اندیشه و احساس گویندگان آنها به اشکال دیگری تقسیم‌بندی کرد: اشعار حماسی، غنائی، مدحی، تعلیمی، دینی، انتقادی، مرثیه‌ای، تهنیتی، قصصی، عامیانه، محلی و ... اگر در کنار تقسیم‌بندی‌های موجود از گونه‌های ادبی تقسیم‌بندی براساس محتوا را در نظر بگیریم، بی آن که بخواهیم آن گونه ادبی را در قالب و زبانی خاص محدود کنیم انواع ادبی تازه‌ای تعریف می‌شوند که حجم قابل توجهی از اشعار را در خود جای می‌دهند. زمانی که از «مرثیه» بحث می‌کنیم دیگر فرق نمی‌کند در قالب قصیده باشد یا شعر نو، با زبان حماسی باشد یا غنائی، رسمی باشد یا عامیانه، در سوگ شاه باشد یا یک شاعر. البته این نظریه زمانی طرح می‌شود که ناکارآمدی تعاریف برخی انواع ادبی مشخص و محرز شده است برای نمونه در تعریف گونه «ساقی‌نامه» قالب آن را مثنوی و بحر آن را متقارب بیان کرده‌اند اما با تحقیق در این حوزه آشکار گردید که برای نمونه «ساقی‌نامه» در قالب ترکیب‌بند و ترجیع‌بند دیده شده است یا در قدیمی‌ترین ساقی‌نامه ادبیات فارسی در شعر رودکی ملاحظه می‌شود که در بحر هزج مثنم سالم سروده شده است نه متقارب؛ بحری که برای مجالس بزم به نظر مناسب‌تر می‌آید:

بیار آن می که پنداری روان یا قوت نابستی و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
(رودکی، ۱۹۶۴: ۱۰۶)

یعنی به عبارت دیگر با نوعی آشفتگی، اختلاف نظر و ناهماهنگی روبه‌رو هستیم. برای مثال معلوم نیست در نهایت ملاک مقسّم در تعریف و تمایز این انواع، قالب و فرم است یا محتوا؟ نام‌گذاری بعضی از این انواع براساس فرم و قالب است و برخی دیگر براساس محتوا. جالب‌تر این که حتی زمانی که نوع ادبی براساس شکل و فرم نام‌گذاری می‌شود ما موضوعات و محتوای خاصی را نیز برای آنها لحاظ می‌کنیم یا برعکس زمانی که محتوای اثر، منشأ نام-گذاری و شکل‌گیری یک نوع ادبی است، قالب خاصی را به آن اختصاص می‌دهیم. باید گفت ارتباط میان این قالب‌ها و محتوای آنها هرچند به شکل قاعده و قانون بیان شده است؛ اما اعتباری است و به گواه این همه تغییر در طول تاریخ ادبیات هیچ قالبی محصور در موضوع و مضمون خاصی نیست و نخواهد بود. از این رو به نظر می‌رسد بهتر است اساس تقسیم‌بندی را یکی از این دو وجه قرار دهیم و نخواهیم تعریفی که ارائه می‌دهیم کاملاً وجوه مختلف شکل و محتوا را شامل شود. برای نمونه یک‌گونه شعر شیعی مانند «سلامنامه» با تأکید بر محتوا و مضامین سلام در فرهنگ تشیع می‌تواند در تمام قالب شعر فارسی و در وجوه گوناگون و در سبک‌های متنوع سروده بشود و فقط وجه مشترک این نوع ادبی در مضامین آن باشد.

با این تعاریف در این مقاله، اشعار دینی را با نگاهی محتوایی بررسی می‌کنیم و از ادبیات دینی به صورت یک‌گونه کلی یاد کرده که ظرفیت ایجاد زیرگونه‌های مستقل را با تأکید بر مضامین شیعی دارد. اشعار دینی و گرایش‌های آن به‌طور عام و مضامین شیعی به‌طور خاص یکی از گونه‌های ادبیات منظوم فارسی می‌تواند به شمار می‌آید.

۲-۴. مضمون یا نوع ادبی در شعر شیعی

شعر شیعی پیکره‌ای منسجم از باورها، اندیشه‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های شیعیان است. سرچشمه‌های پیدایش این تنوع در مضامین و محتوا در شعر شیعی، بازتابی از اندیشه و جهان‌بینی شعرای آن دارد. مضامینی نظیر مرثیه در رثای سالار شهیدان حضرت حسین علیه‌السلام، جوانمری حضرت علی علیه‌السلام، دلآوری و جنگاوری ایشان در میدان جنگ، معجزات پیامبر اسلام صل الله علیه و آله در شعر شیعی وجود دارد. این مضامین مشخص در گذر زمان - از ابتدای هزار سال سرایش شعر شیعی تا امروز - در ساختارهای متنوعی ذکر شده است. اصل محتوا و مضمون ثابت است اما در قالب‌ها و ساختارهای متنوعی سروده شده

است. هرگاه شعری با مضمونی مشترک، در قالب، وزن، عنوان و ساختار مشخصی سروده می‌شود و سرایندگان و شعرائی هم با مؤلفه‌های مشخصی آن‌را ادامه می‌دهند کم‌کم آن مضامین، به زیرگونه‌های شعر شیعی تبدیل می‌شود. برای نمونه درباره شکل‌گیری زیرگونه ادبی «معجزنامه» می‌توان گفت در گذشته مرسوم بوده که ابتدای قصاید و اشعار را به حمد خداوند تبارک و تعالی، نعت نبی مکرم و ذکر معجزات ایشان زینت می‌داده‌اند. به نظر می‌رسد این اشعار نعتیه که در بخش تغزلی قصاید وجود داشته، کم‌کم با گذر زمان و علاقه مردم به شنیدن معجزات حضرت محمد^(ص) بسط و گسترش پیدا کرده و خود به یک نوع ادبی تبدیل شده که در قالب قصیده، ساختاری مشخص و داستان‌واره با عنوانی مشترک سروده شده است و شعرای بی‌شماری نظیر سلیمی تونی و ابن حسام خوسفی و... از آن پیروی کردند و کم‌کم منجر به پیدایش این زیرگونه ادبی شدند.

۳-۴. انواع ادبی و تأثیر آن بر جریان شعر شیعی

طبقه‌بندی شعر شیعی در قالب انواع ادبی بر شناخت جریان شعر شیعی تأثیرگذار است و منجر به دستیابی به اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، جامعه‌شناختی، عرفانی و ... شده و پژوهشگران را در شناخت تفکر شیعی یاری رسانده است. در این مقاله به ذکر مواردی پرداخته می‌شود:

۱. طبقه‌بندی اشعار شیعی به انواع متنوع ادبی، نشان از غنای محتوایی اشعار شیعی دارد که بر پایه ایدئولوژی و تفکر شیعی سروده شده است. تقسیم‌بندی شعر شیعی به گونه‌های ادبی^۱ می‌تواند از چند بعد حائز اهمیت باشد. نخست این‌که آشنایی محقق با گستره فکری شیعی به او در فهم متون تاریخی و ادبی کمک کرده و مسیر پژوهش را برای او هموار می‌کند. از سوی دیگر محقق با تشخیص نوع ادبی شیعی درک عمیق‌تری از ارزش‌های یک اثر ادبی - شیعی به دست آورده و این امر به او اجازه می‌دهد تا با دیدی مقایسه‌ای جایگاه آن اثر را در مقایسه با متون هم‌نوع بسنجد. یکی دیگر از دستاوردهای گونه‌شناسی شعر شیعی نشان دادن سیر شکل‌گیری و تحول این گونه‌ها است و پژوهشگر را به علل و عوامل مؤثر در این روند حساس می‌سازد. در کل، تقسیم‌بندی اشعار شیعی به گونه‌های ادبی کمک شایانی به نقد و شناخت این آثار می‌کند.

۲. در حوزه تاریخ ادبیات فارسی، باید گفت برخلاف آنچه همه تصور دارند بهار شعر شیعی در عصر صفویه نیست بلکه باید بهار شعر شیعی را به گواه حضور و ظهور شعرای متعدد و مناقب خوان شیعی و به گواه وجود گونه‌های متنوع در شعر شیعی، قرن نهم دانست. البته بازتاب اندیشه شیعی فقط در ادبیات منظوم این دوره قابل‌رؤیت نیست بلکه بخش زیادی از ادبیات تاریخی - داستانی، هنر و معماری این دوره را قصه شجاعت‌ها و قهرمانی‌های امام علی^(ع) به خود اختصاص داده است. به‌عنوان نمونه «تصویرهای موجود در یکی از آثار حافظ ابرو از دوران شاهرخ تیموری، تصویری که امام علی^(ع) باب خیبر را از جای برداشته و به آن سوی می‌اندازد» قابل‌تأمل است (جعفریان: ۱۳۸۷: ۲۷۲). ذبیح‌الله صفا در پیشرفت امر منقبت سرایی در سده‌های هشتم تا نهم چنین می‌گوید: «در سده‌های هشتم و نهم که مصادف با نیرو گرفتن فرقه‌ی شیعه‌ی اثناعشری بود، به شاعران متعدد منقبت گوی باز می‌خوریم، چنان‌که منقبت گویان دوران صفوی را باید به‌منزله‌ی دنبال‌کنندگان کار آنان به‌حساب آوریم» (۱۳۶۳، ج ۵: ۶۲۲). به عبارت دیگر، تبلیغات شیعی یکی از رایج‌ترین جریان مذهبی قرن هشتم بود و مناقب خوانان و شاعران، پیشگام حرکت در این عرصه بودند. در کتاب تاریخ شیراز در عصر حافظ آمده که یکی از کارهای متداول در شیراز در قرن هشتم، معرکه‌گیری و منقبت خوانی در معابر بود و طبقاتی از مردم با اشتیاق تمام به تماشای معرکه‌گیری می‌پرداختند و به گفتار کسانی که از ظهور ناجی خبر می‌دادند، گوش می‌کردند (لیمیرت، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

مطالب پیش گفته نشان می‌دهد شعر شیعه از عصر صفویه آغاز نشده، بلکه در طول ادبیات فارسی از قرن چهارم تاکنون، جریان پویا و پیوسته داشته و نشان می‌دهد شعر شیعی قبل از عصر صفوی به غنای محتوایی رسیده که منجر به تنوع گونه‌های ادبی در ادبیات منظوم فارسی شده است.

۳. شناسایی این گونه‌های کمتر شناخته‌شده و شاعران آن در مشخص شدن جغرافیای شعر شیعی مؤثر است و نشان از این دارد که ادبیات منظوم شیعی در کدام مناطق فعال‌تر و گسترده‌تر جریان داشته و شاعران کدام مناطق فقط در عرصه منقبت سرایی فعالیت نداشتند بلکه با ابداع و تحول و رشد مفاهیم ایدئولوژیکی تشیع سعی در تبلیغ فرهنگ شیعی داشتند. به‌عنوان نمونه سلیمی تونی، مطرح‌ترین شاعر شیعی در داشتن تنوع گونه‌های ادبی است. در دیوان این شاعر خراسانی که متعلق به سرزمین تون از توابع سبزوار است بیش از ۱۰ گونه کمتر شناخته‌شده شیعی وجود دارد. دولت‌شاه سمرقندی در کتاب تذکره الشعراء درباره سلیمی

تونی می‌نویسد «... و ولایت‌نامه‌ها را چون او کسی از جمله مداحان نظم نکرده» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۴۳۷) وی در سرایش زیرگونه ادبی ولایت‌نامه سرآمد است. یا ابن حسام خوسفی از منطقه خوسف خراسان بزرگ، صاحب اثر جاودان *خاوران نامه* است که یکی از بزرگ‌ترین منظومه‌های دینی است که در نوع ادبیات حماسی مورد توجه قرار گرفته است بنابراین می‌توان چنین ذکر کرد که برای نمونه در این قرون، منطقه خراسان بزرگ؛ نیشابور، سبزوار، تون و بسیاری از روستاهای خراسان مانند خوسف یا افجنگ و نقاط دیگر، مرکزی برای رشد شاعران جوان شیعی بود که امروز دواوین برخی از آنها برجای مانده و از شماری دیگر، تنها قصایدی در لابه‌لای جنگ‌ها درج شده است. (جعفریان، ۱۳۹۰)

۴. مضامین سیاسی یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که در این گونه‌ها قابل تأمل است و در جریان شعر شیعی قابل بررسی و تحلیل است. نظیر؛ هجو دشمنان پیامبر و خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)؛ اشعار جوابیه در برابر اهانت‌های دشمنان و ظلم‌ستیزی و ظلم‌گریزی. حتی براساس همین مضامین برخی از گونه‌های شعر شیعی مانند «لعن‌نامه‌ها» شکل گرفته است. «لعن‌نامه‌ها» برگرفته از جهان‌بینی برخی از شیعیان متعصب درباره حضرت و خاندان ایشان است. لعن کردن دشمنان حضرت شیعیان علی^(ع) قبل از عصر صفوی از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. از جمله؛ به سبب انزوا، سختی و نداشتن جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان در برهه‌ای از زمان و نیز به سبب آزار و اذیت متعصبین اهل تسنن، شیعیان چاره‌ای جز نفرین نداشتند؛ زیرا نفرین کردن در زمانی حاصل می‌شود که فرد چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی ناتوان است و تنها از طریق نفرین می‌تواند به یک آرامش سطحی برسد.

شاعر شیعی از قرن چهارم تا قرن هفتم - نه تنها در برابر شعر خویش معمولاً از طرف دربار یا حکومت، صله‌ای دریافت نمی‌کرد، بلکه ممکن بود سرایش اشعار منقبتی با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و حاکمان وقت که شیعه نبودند، تهدیدی برای جان او و خاندانش محسوب شود. چنان که در این زمان مناقب خوانانی بودند که درازای منقبت حضرت، زبان ایشان را بریدند یا لبان آنها را دوختند. در کتاب «اللتقص» از قطع زبان بوطالب مناقبی از مناقب خوانان شیعه در روزگار سلجوقیان گزارش شده است. (قزوینی رازی، ۱۳۳۱: ۱۰۸) و البته مناقب خوانانی نیز، نظیر حمزه کوچک ورامینی با لقب «اقطع زبان» در کتاب-های تاریخی دیده می‌شوند که شاید آنان نیز قربانی این حوادث باشند و نارضایتی آنان از سنیان متعصب سبب ایجاد گونه ادبی «لعن‌نامه» شده است.

با توجه به توضیحات داده شده، برای اولین بار در این مقاله، وفات‌نامه از انواع شعر شیعی براساس محتوا معرفی می‌شوند و در پایان نمونه‌ای در دیوان‌های چاپ شده یا نسخه‌های خطی موجود نقل می‌شود. قبل از معرفی این گونه ادبی، نسخ مورد استفاده در این مقاله معرفی می‌شود:

۵. نسخ خطی مورد استفاده در این مقاله

نسخه ارزشمند (۱۳۶۰۹) کتابخانه مجلس شورای اسلامی که به جُنْگ شاعران گمنام شهرت دارد، بیشتر اشعار این جُنْگ در مدح و منقبت خاندان پیامبر^(ص) به‌ویژه مولا امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بود اما در موضوعات عرفانی، اخلاقی و حتی تغزل نیز سروده‌هایی در آن دیده می‌شد. استفاده از این جُنْگ آسان نبود چراکه محوشدگی و تیرگی و نیز جابه‌جایی فراوان در صفحات آن دیده می‌شد به‌گونه‌ای که آغاز و انجام بسیاری از اشعار در آن نامعلوم بود. از این رو ابتدا می‌بایست همه جُنْگ خوانده می‌شد صفحات آن مرتب و اشعار مورد نظر در آنها پیدا و سپس استنساخ می‌شد.

جُنْگ شیعی (۳۵۲۸) دانشگاه تهران یعنی جُنْگ علی ابن احمد، از جمله جُنْگ‌های ارزشمند شیعی است. جز صفحاتی از آن که به موضوعات دیگری مربوط می‌شود، مجموعه‌ای از قصاید منقبتی است که از شاعران شیعه و گاه اهل تسنن در مدح ائمه معصومین به‌ویژه مولا علی^(ع) به‌جا مانده است. کاتب آن، علی ابن احمد، خود شاعری شیعی بوده است که در همین جنگ، برگ ۱۳۵ تا ۱۳۷، شعری از خود را با عنوان «معجز مصطفا^(ص) لکاتب» آورده است که هرچند از لحاظ زبانی و ادبی قوی نیست، اما به ما نشان می‌دهد که کاتب این جنگ خود شیعه و شاعر بوده است. در دو بیت پایانی شعر او تاریخ سرایش آن ذکر شده است:

ز هجرت نهصد و تسعین و نه بود ب بود
 که شد منظوم این معجز چو شکر شکر
 علی ابن احمد گفت معجز
 به توفیق خدای پاک اکبر
 (برگ ۱۳۷)

جُنْگ ارزشمند خزائن‌القصیده که با شماره (۴۹۹۲) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، این جُنْگ قصاید منتخب از حدود چهل شاعر برجسته و نسبتاً مشهور را در ادوار مختلف شعر فارسی در خود دارد. علاوه بر این در حواشی این جُنْگ نیز قصاید متعددی از دیگر شاعران درج شده است. همان‌طور که از عنوان جنگ پیداست، قالب محور است،

بنابراین هم از حیث شاعران و هم از نظر موضوعات تنوع چشمگیری دارد. وفات‌نامه حضرت علی بن موسی‌الرضا^(ع) در برگ ۵۹ این جنگ آمده است.

۶. وفات‌نامه

گونه «وفات‌نامه» یک زیرگونه ادبی کمتر شناخته‌شده در حوزه شعر شیعی است. این گونه ادبی از نوع قصیده است که در ذیل گونه «مراثی دینی» قرار می‌گیرد. شاعران شیعی برای بیان عقاید و آرای مذهبی خود و تبلیغ فرهنگ تشیع این زیرگونه ادبی را طرح کرده‌اند. شاعران با نام‌گذاری دقیق این گونه ادبی، بحث اصلی خود را بر سر داستان شهادت، مرگ، وفات و مظلومیت اهل بیت پیامبر گرامی اسلام^(ص)، معطوف کرده‌اند. واژه «وفات» واژه‌ای است عربی و اسم مصدر آن «وفاة» است به معنی درگذشت، رحمت، مُردن و ... (دهخدا ذیل واژه وفات).

۱-۶. پیشینه وفات‌نامه

درباره پیشینه گونه «وفات‌نامه» باید گفت در حوزه ادب فارسی سوگ‌نامه‌ها و مراثی فراوان و جالب توجهی با تنوع مضامین مشاهده می‌شود. نصراله امامی مراثی را به شش دسته تقسیم کرده است: «مراثی درباری، مراثی شخصی، مراثی مذهبی، مراثی فلسفی، مراثی اجتماعی و مراثی داستانی» (۱۳۶۹: ۳۶). «مراثی مذهبی در ادب فارسی جایگاه ویژه و ممتازی دارد، این گونه از مراثی معمولاً حول محور حادثه عظیم و تکان‌دهنده قیام عاشورا سروده شده است؛ هرچند که بخشی از آن در رثای بزرگان دین و ائمه اطهار علیهم‌السلام است.» (۱۳۶۹: ۵۷). مراثی مذهبی به جهت عمق و اصالتی که دارد به انواع متنوعی تقسیم می‌شود. از جمله؛ شعر شهادت، نوحه، روضه، وفات‌نامه و شعر تعزیه و ... قصد ابتدایی شاعر و اصلی او در «وفات‌نامه» سرودن مرثیه اهل بیت است و زبان شاعر از نوع مدح است. شاعر شیعی در این گونه ادبی، بیشتر بر وجه حزن و اندوه شعر تأکید دارد و زبانش به زبان عامیانه نزدیک می‌شود. درباره شکل‌گیری گونه «وفات‌نامه» باید گفت مناقب خوانان درصدد بسط و گسترش مفاهیمی بودند که بر مردم عامه تأثیرگذار باشد و با سطح دریافت مخاطبان عامه، انطباق و تناسب داشته باشد. در نتیجه مناقب خوانان با تأکید بر اشعاری که به ذکر ظلم‌ها و ستم‌ها و مصائبی که بر اهل بیت پیامبر وارد شده است منجر به پیدایش گونه‌ای ادبی به نام «وفات‌نامه» شدند. این تنوع شعر شیعی تقریباً بعد از ظهور حسن کاشی در قرن هفتم و انقلاب وی در عرصه شعر شیعی و کم‌کم با گذر زمان و علاقه شیعیان به شنیدن ماجرای مصیبت

اهل بیت بسط و گسترش پیدا کرده و خود به یک نوع ادبی تبدیل شده است. دربارهٔ اینکه نخستین «وفات‌نامه» را چه کسی سروده و مبدع این گونه ادبی کیست به یقین نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ زیرا در حال حاضر تمام وفات‌نامه‌ها در دست نیست و تمام نسخ خطی شیعی تصحیح نشده است؛ اما به قطع می‌توان اظهار نظر کرد که این گونه ادبی در قرن هفتم در اشعار حسن کاشی دیده شده است.

۲-۶. زمان پیدایش گونه ادبی وفات‌نامه

دربارهٔ عصری که گونه ادبی «وفات‌نامه» نضج گرفت، باید گفت که این گونه ادبی در عصری رشد کرد و شکوفا شد که خفقان سیاسی و اجتماعی حاکم امکان ظهور اشعاری با محتوای سیاسی و اجتماعی مخالف با عقیده حاکمیت را نمی‌داد و مناقب خوانان برخلاف جریان حاکم بر جامعه حرکت می‌کردند و در این شرایط شعر شیعی برای تأثیر و نفوذ در ذهن مخاطب و تثبیت ایدئولوژیکی خود ناچار باید از ابزاری استفاده می‌کرد که با احساس، عاطفه، محبت به فرزندان پیامبر و تحریک حس کنجکاوای دربارهٔ ماجرای شهادت امامان معصوم پیوند خورده باشد. بنا بر شواهد ابیات «وفات‌نامه»، هدف شاعران وفات‌نامه‌سرا از سرایش این گونهٔ ادبی محکم‌تر شدن محبت دوستان و محبان حضرت علی^(ع)؛ تثبیت عقاید ایدئولوژیکی تشیع؛ جذب تودهٔ عامهٔ مردم و نوعی اعتراض بر ضد جریان اجتماعی - مذهبی عصر است.

۶-۳. نحوه شکل‌گیری گونه ادبی وفات‌نامه

پس از بررسی شعر شیعی قبل از عصر صفوی این نتیجه دست داد که این تنوع در شعر شیعی بازتاب هنر و کار نقالان شیعی است که از آنها به «مناقیبان» یاد می‌شود. «مناقیبان» یک دسته از قصه‌گویان شیعی بودند که در کوی و برزن در مدح و منقبت پیامبر و خاندان نبوت شعر می‌خواندند و داستان واقعه‌های جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی^(ع) را نقل می‌کردند. این گروه از قصه‌گویان ادامه‌دهنده راه قصه‌گویان و شعرخوانان پیش از اسلام بودند که از آنان به «گوسانان» تعبیر می‌شود. «گوسانان افرادی بودند که با کمک یک ساز (چنگ) به قصه‌سرایی موزون پرداخته و داستان‌ها و حکایت‌های عامیانه و اساطیری را نقل می‌کردند.» (رک. بویس، ۱۳۶۸: ۳۲-۳۱) این شکل از نقالی پس از اسلام تغییر کرد و نقالان بدون ساز در قالب داستان و قصه‌خوانی به نقل داستان‌های ملی و میهنی پرداختند. این فرایند قصه‌خوانی در سده‌های پنجم و ششم به دودسته تقسیم شد. یک دسته قصه

خوانان سنی مذهبی بودند که همراه نقل داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی ایران فضائل خلقی راشدین را بیان می‌کردند اینان را «فضائلی» می‌خواندند و گروه دیگر همان مناقیبان شیعی هستند. به هر حال این مناقب‌خوانان همچون گوسانان پیش از اسلام گرداگرد شهرها می‌گشتند و اشعار شعرای شیعی را می‌خواندند. معمولاً بر گرد این مناقیبان حلقه‌هایی از شیعیان تشکیل می‌شد. بهترین سندی که نشان از گروه مناقب‌خوانان دارد کتاب *التقص* قزوینی رازی است (رک. قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۵۸-۵۴). به این علت که هدف مناقیبان شیعی القای حقیقت فرهنگ شیعی با روش‌های مختلف به مخاطب بود آنان سعی کردند با تأکید بر مراثی اهل بیت پیامبر^(ص)، باورها و ارزش‌های شیعی را در قالب شعر و داستان مطرح کنند.

۶-۴. مخاطبان گونه وفات‌نامه

مخاطبان این گونه شعری را اغلب عوام و طبقات مختلف جامعه تشکیل می‌دادند، بنابراین زبان این نوع ادبی نرم و ساده شده و به زبان مردم نزدیک‌تر گردیده است. به‌طور معمول در ادبیات، ارتباط با طبقات عوام مستلزم بکارگیری لحن و زبانی متناسب با این گروه است.

۶-۵. وفات‌نامه و تحول آن در جریان شعر شیعی

این گونه ادبی، پیش‌درآمدی بر گونه «روضه‌خوانی» در عصر صفویه است. تفاوت گونه ادبی «وفات‌نامه» با دیگر مراثی مذهبی در این است که شاعر در مرثیه به ذکر مصیبت و مدح اهل‌بیت دست می‌یازد اما در «وفات‌نامه» شاعر ذکر مصائب و ماجرای شهادت ایشان را در قالب داستان ذکر می‌کند که در ادب فارسی این نوع بی‌سابقه است. داستانی بودن «وفات‌نامه» کلیدی‌ترین نقطه افتراق «وفات‌نامه» با مراثی مذهبی است و همین امر نقطه اشتراک گونه ادبی «وفات‌نامه» با گونه «روضه‌خوانی» است. «وفات‌نامه» به‌نوعی حدفاصل گونه «مرثیه» و «روضه‌خوانی» از قرن هفتم تا دهم است. روضه‌خوانی عبارت است از: «نقل داستان‌ها و حوادث مربوط به واقعه کربلا که توسط روضه‌خوان روی منبر و در برابر جمع بیان می‌شود» (بیضایی، ۱۳۴۴: ۷۵). عنصر نقل و روایت دو عنصر اصلی این نوع ادبی است؛ که برگرفته از کتاب *روضه‌الشهدای* کاشفی سبزواری است. قبل از عصر صفوی روضه‌خوانی وجود نداشته است و بعد از عصر صفوی و خواندن کتاب *روضه‌الشهدا* این نوع ادبی به‌وجود آمده است؛ و در حال حاضر اسم خاصی است که در ذکر مصیبت سیدالشهدا^(ع) خوانده می‌شده است اما بعد از عمومیت یافتن حتی به مراثی خوانی دیگر معصومین هم روضه‌خوانی می‌گویند درحالی‌که قبل از عصر صفوی گونه ادبی «وفات‌نامه» به قصه

مقتل امام حسین و ماجرای شهادت دیگر ائمه معصومین می‌پرداخته است.

۶-۶. ساختار وفات‌نامه

وفات‌نامه گونه‌ای ادبی است که در قالب قصیده سروده شده است. انتخاب قالب قصیده از طرف این شعرای شیعی علاوه بر این که با موضوع اصلی شعر یعنی مدح و منقبت تناسب دارد، خود نشانگر تعلق خاطر شعرای وفات‌نامه‌سرا به سبک پیشینیان به‌ویژه «سبک خراسانی» است. به‌خصوص این که تعداد ابیات بعضی از قصاید زیاد است که این هم مؤید توجه شعرا به شیوه قدما به‌ویژه «سبک خراسانی» و «آذربایجانی» است. برخی از قصاید شعرای شیعی به شیوه قصاید مدحی دارای تغزل، تخلص، تنه اصلی و شریطه است. البته در این قصاید، «قصاید مقتضب - ورود شاعر به تنه اصلی قصیده بدون ذکر تغزل و تشبیب - نیز وجود دارد» (همایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۱۵). حُسن مطلع و حُسن مقطع زینتی است که برخی از قصاید به آن آراسته شده است. از نظر ساختاری به سه بخش مقدمه، تنه اصلی قصیده و شریطه تقسیم می‌شود.

۶-۶-۱. بخش آغازین وفات‌نامه‌ها

شاعر در وفات‌نامه‌ها در بخش مقدمه به حمد و ستایش خداوند، نعت نبی مکرم اسلام (ص) و منقبت حضرت علی (ع) و دیگر معصومین علیهم السلام می‌پردازد و سپس وارد تنه اصلی قصیده - بخش داستانی وفات‌نامه - می‌شود.

ابتدا کردم به نام خالق ارض و سما	پادشاه هر دو عالم قای روز جزا
آن خداوندی که از حکم قضا و قدرتش	آفریدش گوهری از نور پاک مصطفی...
بی وفایست این جهان فکری به حال خود بکن	گر بود عمرت چو لقمان آخرش باشد فنا
چون نکرد او خود وفا با مصطفی و اهل بیت	هم نخواهد کرد با ما و تو شادی کن رها
آن شنیدستی که سید کرد از دنیا سفر	ناگهان دیدش شی در واقعه خیرالنسا

(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۶۵)

۶-۶-۲. تنه اصلی قصیده، (بخش داستانی)

شاخصه اصلی گونه وفات‌نامه، ذکر داستان در تنه اصلی قصیده است. شاعران به تفصیل از قصه‌گویی برای تبیین و تسهیل ادراک اندیشه‌ها و جلب مخاطبان استفاده کرده‌اند و هدفشان از نقل قصه فقط جلب مخاطب و تسهیل امر ادراک در خدمت اندیشه است. مناقب خوانان در وفات‌نامه‌ها، آغازها و پایان‌های داستان خود را با استفاده از شیوه‌هایی خاص، نشانه‌گذاری کرده‌اند. مناقب خوانان در بیشتر داستان‌ها با توجه به موضوع سخن یا

تأثیری که قصد دارند بر مخاطب خود به‌جای بگذارند مستمع را به شنیدن داستان همراه با موضوع، درون‌مایه و اسناد دعوت می‌کنند. یکی از رایج‌ترین شیوه‌هایی که برای ورود به داستان استفاده می‌شود، دعوت راوی از مستمع برای شنیدن داستان است و به نظر می‌رسد که دلیل بسامد زیاد این شیوه در نقل داستان‌های کهن، بیشتر در شفاهی بودن این نوع قصه‌ها به‌ویژه در وفات‌نامه‌ها است؛ زیرا مناقب خوانان در کوی و برزن به‌صورت شفاهی این اشعار را نقل می‌کردند و شنوندگان بی‌واسطه و مستقیم، داستان را از راوی دریافت می‌کردند و وقتی راوی، مستمع را دعوت به شنیدن داستان می‌کند به این طریق، موجب جلب توجه مخاطب می‌شود:

از حیات و از وفات و معجزاتش نکته‌ای
گوش کن تا باز گویم ز ابتدا تا انتها
(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۶۵)

گاهی هم شاعر مردم را به شنیدن داستان دعوت نمی‌کند بلکه با بکار بردن واژه «شنیدستی» در خطاب به مردم، به آنها اشاره می‌کند که این روایت چنان شهره است که قطعاً شما آن‌را شنیده‌اید و در ادامه به بیان داستان می‌پردازد:

آن شنیدستی که سید کرد از دنیا سفر
ناگهان دیدش شبی در واقعه خیرالنسا
(جنگ ۱۳۶۰۹، [بی‌تا]: برگ ۹۲)

۳-۶-۶. بخش پایانی وفات‌نامه‌ها

همان‌طوری که گذشت گونه‌ی ادبی وفات‌نامه در قالب قصیده، سروده شده است. این‌گونه مانند دیگر قصاید مدحیه با دعا به پایان می‌رسد. «رسم شعرا این است که قصاید مدحیه را با اییاتی که مشتمل بر دعای ممدوح باشد ختم کنند، این قسمت از قصیده را شریطه می‌نامند و ادبای قدیم آن‌را مقاطع قصیده (حسن مقطع) می‌گفته‌اند. شریطه معمولاً به‌صورت دعای تأیید یعنی متضمن معنی دوام و همبستگی است» (همایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۱۰) درست است که وفات‌نامه با دعا به پایان می‌رسد اما این دعا به نوعی با ایدئولوژی تشیع گره خورده و کمی متفاوت با بخش دعایی قصاید معمولی است.

در یک نگرش کلی، مناقب خوانان خُسن ختام وفات‌نامه خویش را با ذکر چهارده معصوم پیوند می‌زنند و گاه مناقب خوانان در ختام وفات‌نامه‌ها از مستمع می‌خواهند بر پیامبر و آل او، از دل و جان، سلام و صلوات فرستند و گاهی از خداوند می‌خواهند که آنها را در روز قیامت با چهارده معصوم، محشور گرداند. گاهی هم خداوند را به چهارده معصوم قسم می‌دهند و برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، اسامی چهارده معصوم یا القاب و کنیه‌های ایشان را فرد به فرد

ذکر می‌کنند؛ و خداوند را به آنان سوگند می‌دهند. در این شیوه حسن ختام، وفات‌نامه مشحون به نشانه‌هایی از گونه «سوگندنامه» می‌شود. در وفات‌نامه‌ها زمانی که شعرا اسامی چهارده معصوم را نیاورند، خود را ملزم می‌دارند تا اشاره‌ای به مذهب شیعی اثنی عشری خود داشته باشند:

یا الهی هم به فضل خود ببخشا و ببخش	دوستداران علی را از همه جرم و خطا
زین مسکین دعاگو را ببخشا از کرم	هم به حق پنج تن معصوم از آل عبا
گر بیامیزی به فضل خود همه عالم تمام	یکسر مو کم نگردد رحمت ای پادشاه

(جنگ ۱۳۶۰۹، [بی‌تا]: برگ ۹۵)

۶-۷. وفات‌نامه در ادب فارسی

در گستره فرهنگ فارسی «وفات‌نامه» عنوان کتاب‌هایی به نثر است و همان‌طور که از نامش پیداست، دربارهٔ روزهای واپسین عمر، وصایا و مرثیه‌ی بزرگان دین می‌باشد. «وفات‌نامه» در شعر فارسی، وارد شده است و همان‌طور که گذشت از قرن هفتم و هشتم در شعر فارسی دیده شده است. از جمله می‌توان به «وفات‌نامه مولانا حسن کاشی» در *جنگ علی بن احمد* معروف به نسخهٔ ۳۵۲۸ دانشگاه تهران با این مطلع اشاره کرد:

تا سرم در سایهٔ خورشید ایمان می‌رود	پایِ قدم بر سر گردون گردان می‌رود
-------------------------------------	-----------------------------------

(علی بن احمد، [بی‌تا]: برگ ۱۶۰)

این قصیده در *دیوان حسن کاشی*، تصحیح «سید عباس رستاخیز» آمده، اما عنوان «وفات‌نامه» ندارد. «وفات‌نامه» سلیمی تونی، وفات‌نامه‌ی دیگری است که در شهادتِ امام رضا^(ع) سروده شده است و راوی آن «خواجه اباضلت» می‌باشد.

از حیات و از وفات و معجزاتش نکته‌ای	گوش کن تا بازگویم ز ابتدا تا انتها
خادم خاصش اباضلت این روایت می‌کند	آن ستودهٔ اعتقاد پاک‌دین پارسا

(۱۳۹۰: ۶۵)

البته جای بسی تأمل دارد که عنوان وفات‌نامه برای این شعر هم نیامده است. مصحح *دیوان سلیمی تونی* هم «سید عباس رستاخیز» است. گویا در گذاشتن عناوین شعری از روی نسخه خطی سهوی رخ داده است؛ زیرا اصل این شعر در نسخه خطی *خزائن‌القصیده* کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۹۹۲ با عنوان «وفات‌نامه امام هشتم سلطان علی بن موسی‌الرضا سلیمی گوید» در برگ ۵۹ آمده است.

وفات‌نامهٔ دیگر، «وفات‌نامه حضرت فاطمه» سلام الله علیهاست که هم در *جنگ ۱۳۶۰۹*

کتابخانه مجلس شورای اسلامی در برگ ۹۵-۹۲ از شاعری بی‌نام و هم در جنگ خزائن-
القصیده برگ ۱۶۶، آمده است:

ابتدا کردم به نام خالق ارض و سما
پادشاه هر دوعالم قاضی روز جزا
در میان نسخ خطی، چندین نسخه خطی با عنوان «وفات‌نامه منظوم» در قرون بعد از
عصر صفوی و حتی به زبان اردو، نیز دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، می‌توان به «وفات‌نامه
منظوم پیامبر» به شماره ۳۳۱۰۶ کتابخانه آستان قدس رضوی و نیز «وفات‌نامه» به شماره
۴۸۴۰۰ اشاره کرد. البته در نسخه خطی کتابخانه ملی با عنوان «منظومه اشعار مذهبی»
بخشی با عنوان «قصه وفات حضرت بی‌بی فاطمه رضی‌الله‌عنها» دیده شد. به نظر این
منظومه مربوط به قرن دوازدهم است.

۸-۶. وفات‌نامه گونه‌ای ادبی در نزد اهل سنت

«وفات‌نامه» در زمره گونه‌هایی می‌باشد که مختص به شعر شیعی نیست و اهل سنت در
ذکر وفات حضرت رسول صلی‌الله‌علیه و اله، از آن بهره گرفته‌اند. به‌روز خیریه در مقاله‌ای
با‌عنوان مدح و رثای پیامبر در شعر کردی اشاره به‌وجود «وفات‌نامه‌ها» و «جنگ‌نامه‌ها» در
ادبیات کردی دارد. وی بیان می‌دارد که: «در میان گردان، وفات‌نامه‌ها و جنگ‌نامه‌هایی
وجود دارد که در آن ماجرای غزوات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و اله، حضرت علی (ع) و
اصحاب رسول گرامی اسلام به نظم کشیده شده است. همچنین در فرهنگ مردم کردستان
نوعی داستان منظوم وجود دارد که توسط اشخاصی که در این زمینه تبخّر دارند با آهنگی
خاص خوانده می‌شود. این نوع داستان‌های منظوم را «بیت» گویند. بیت‌ها دارای موضوعات
مختلفی هستند، نظیر: بیت حماسی، بیت دینی، بیت عاشقانه و بیت عارفانه. سراینده‌گان اغلب
این داستان‌ها، معلوم نیست. در اغلب این منظومه‌ها، قهرمانان برای پیروزی، به پیامبر
اسلام (ص) و اهل‌بیت مکرم ایشان، توسّل جسته‌اند. اما همچنان که در آغاز گفتیم برخی از
این داستان‌ها به‌طور مستقیم درباره جنگ‌های صدر اسلام و نبردهای ائمه و اصحاب پیامبر
سروده شده‌اند. از جمله این منظومه‌ها، یکی منظومه‌ای است تحت عنوان «وفات‌نامه
پیغمبر» که ماجرای رسول گرامی اسلام (ص) را شرح می‌دهد و سراینده آن نامعلوم است و
سراینده خود را به نام «فقیه ابوبکر» معرفی کرده است» (۱۳۹۰: ۳۸-۳۷).

۹-۶. وفات‌نامه گونه‌ای ادبی در نزد ملل مسلمان

البته یک‌گونه‌ی ادبی عامیانه بین مردم مسلمان کشور ترکیه با عنوان «وفات‌نامه» وجود دارد
که «شامل اشعاری با موضوع داستان و جریان وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه و اله، ذیل عنوان

«وفات‌نامه» آمده است. نمونه‌هایی از این گونه در آثار «نجیب فاضل» و «عاصم کوكسال» آمده است» (عبرت پژوهی تاریخی، ۱۳۹۷). شایان ذکر است که پژوهشگران در عرصه‌ی «وفات‌نامه» باید به پژوهش و بررسی سند روایت در کتاب‌های معتبر ادبی و تاریخی شیعه بپردازند تا از صحت و سقم روایت مطمئن شوند. اگرچه بخش اعظم این روایات که در «وفات‌نامه‌ها» و گونه‌های شبیه به آن بکار می‌رود، در اذهان عامه مردم وجود دارد.

۱۰-۶. ویژگی‌های ادبی و زبانی گونه ادبی وفات‌نامه

زبان این اشعار ساده، روان و به ذهن خواننده امروزی نزدیک است. با اینکه واژگان عربی در آن مشاهده می‌شود اما این واژگان از نوع واژگان کاربردی در فرهنگ عامه مردم است و به ذهن مخاطب آشنا می‌باشد. بسامد واژگان کهن هم در آن به اندازه‌ای نیست که مخاطب را از فهم ابیات عاجز نماید. وفات‌نامه در حوزه ادبی، اشعاری است مستقیم و حرفی. مانند نثری زیباست که منظوم شده است هرچند که از صنایع ادبی و بیانی بهره برده است اما زبانش تشخیص ادبی نیافته است.

این گونه ادبی در یک بازه زمانی به شکوفایی رسیده که شعرای بزرگی چون «سعدی» و «حافظ» در «سبک عراقی» شعر می‌سراییدند. این گونه ادبی از نظر عنصر عاطفه و تصویر، بسیار ضعیف و فقیر است و تصاویری که شعرای وفات‌نامه‌سرا ارائه می‌دهند تصاویری ساده و محسوس‌اند و شعرا تلاشی برای ارائه تصاویر بکر، مبتنی بر کشف درونی نکرده‌اند. در زمانی که شعر فارسی اوج زیبایی، فصاحت، بلاغت، تصویرسازی را تجربه می‌کند شعرای وفات‌نامه‌سرا شعری می‌سرایند که از نظر عنصر تخیل و عاطفه، قابل قیاس با اشعار بزرگان ادب فارسی نیست. در زمانی که قالب شعر غزل است، شعرای وفات‌نامه‌سرا قالب قصیده را برمی‌گزینند. زمانی که شعرا دغدغه به کارگیری صنایع بدیعی را در اشعارشان دارند، شعرای وفات‌نامه‌سرا اشعاری را می‌سرایند که تقریباً در یک قصیده ۵۰ بیتی، شاید پنج صنعت ادبی در آن برجستگی داشته باشد. اما نکته قابل تأمل این است که در وفات‌نامه‌ها آرایه‌های ادبی برجستگی ندارند؛ اما آرایه‌های «تلمیح»، «تضمین» و «اقتباس» به تناسب موضوع بالاترین بسامد را در وفات‌نامه‌ها به خود اختصاص داده که از مختصات سبک عراقی است.

بنابراین به نظر می‌رسد که از این نشانه‌ها می‌توان حکم به این موضوع نمود که این گونه ادبی برخلاف جریان ادبی حاکم بر زمان خود حرکت می‌کند یعنی وجه ادبی و ادبیت شعر در درجه دوم قرار دارد و شعرا از شعر، برای انتقال مفاهیم و مضامین ایدئولوژیکی تشیع بهره برده‌اند. چنان که در بخش تلمیح به روایات شیعی و تضمین و اقتباس به آیات قرآنی گوی

سبقت را حتی از شعرای برجسته هم عصر خود برده‌اند. شعرای این گونه ادبی قبل از اینکه شاعر باشند، خطیب‌اند. خطیبانی که از شعر برای داستان‌گویی بهره برده‌اند. یعنی خطیب‌بودن این افراد بر ادیب بودن ایشان برتری دارد. و دیگر این که شعرای وفات‌نامه‌سرا معمولاً اشعارشان را در کوچه و بازار و گاهاً در محافل خاص شیعی می‌خواندند و اهتمام و تأکیدی بر ادبیت شعر نداشتند و تمام هم و غم ایشان بازخوانی مفاهیم و احادیث شیعی در قالب نظم بوده است. در حالی که شعرای برجسته معاصر ایشان، اشعارشان را در محیط‌های ادبی یا درباری یا مکتبی خوانده و در بوتۀ نقد و تحلیل قرار می‌دادند.

از نظر لحنی هر سه بخش این قصاید وفات‌نامه دارای لحن خاص خود است. بخش مقدمه با زبانی ساده و لحنی مفاخره‌گونه به محبت اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد. بخش داستانی، زبانی ساده و عامیانه دارد و بخش مؤخره گاه با لحنی که گزش هجویات در آن به چشم می‌خورد، قابل تحلیل است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

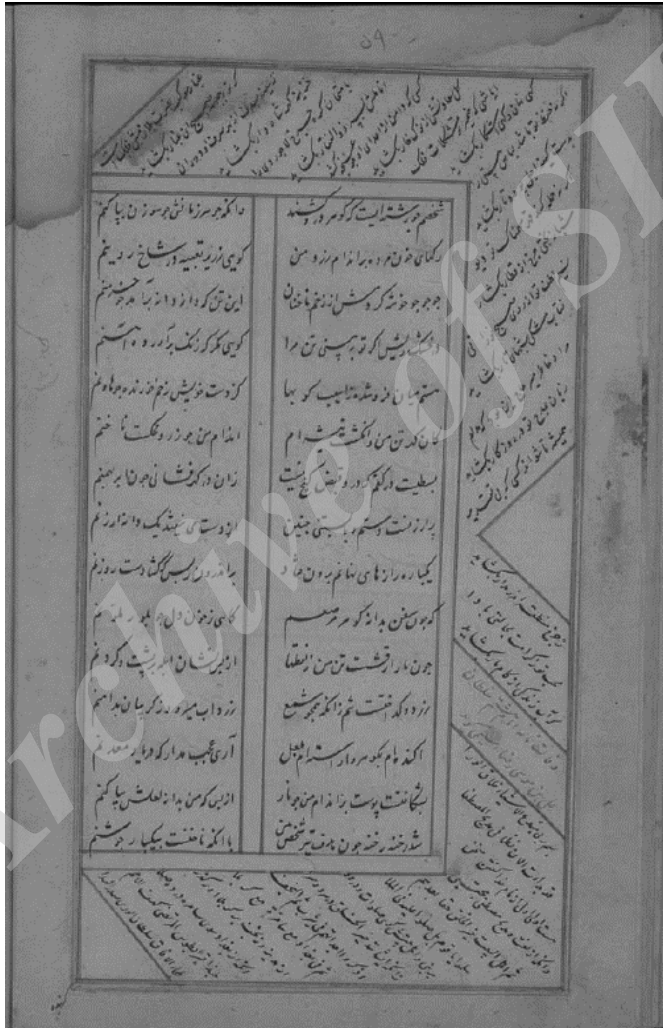
شعر شیعی با قدمتی که دارد و تنوعی که پیدا کرده زیر سایه انواع شعر فارسی ناشناخته مانده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شعر شیعی به‌عنوان بخشی از ادب فارسی در گونه‌ها و انواع ادبی طبقه‌بندی و تقسیم می‌شود. معیار و ملاک طبقه‌بندی شعر شیعی به انواع ادبی براساس محتوا و درونمایه اشعار خواهد بود و فارغ از قالب شعری اثر است. گونه‌ها با تأکید بر محتوای اشعار، ساختاری مشخص دارند. معمولاً هم در محور افقی و هم در محور عمودی انسجام و ترتیبی خاص در آنها مشاهده می‌شود.

با مروری بر اشعار شیعی، گونه «وفات‌نامه» برای نخستین بار در این مقاله به‌عنوان یک نوع ادبی پیشنهاد شد.

۱. وفات‌نامه، زیرگونه شعر شیعی است که در ذیل گونه مرثیه قرار گرفت و به نوعی سوگنامه منظوم داستانی است. این گونه ادبی در قرون بعدی به روضه خوانی متحول شده و مورد استقبال قرار گرفته است.

۲. گونه وفات‌نامه در قالب قصیده سروده شده است و در هر سه بخش مقدمه، تنه اصلی قصیده و شریطه زبان شعر ساده و نرم است و مخاطب این گونه ادبی عامه مردم است. این گونه ادبی از نظر عنصر عاطفه و تصویر، بسیار ضعیف و فقیر است و تصاویری که شعرای وفات‌نامه‌سرا ارائه می‌دهند، تصاویری ساده و محسوس‌اند.

۳. این گونه ادبی به فرهنگ شیعیان اختصاص ندارد بلکه سوگنامه‌های منظوم داستانی در رثای حضرت رسول صل الله علیه وآله نزد اهل تسنن با عنوان وفاتنامه وجود دارد. البته قابل ذکرست که این گونه ادبی در نزد دیگر ملل اسلامی از جمله مردم مسلمان ترکیه نیز با این ساختار وجود دارد.



تصویر برگ ۵۹ جنگ خزائن القصیده که عنوان «وفاتنامه» در آن آمده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن‌یمین فرمودی، محمودبن‌یمین‌الدین(۱۳۴۴). **دیوان اشعار ابن‌یمین فریومدی**، تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی‌راد، تهران: سنایی.
- امامی، نصراله(۱۳۶۹). **مرثیه سرایی در ادبیات فارسی (تا پایان قرن هشتم)**، اهواز: جهاد دانشگاهی اهواز.
- بویس، مری(۱۳۶۸). **خنباغری و موسیقی در ایران**، ترجمه بهزاد باشی، تهران: آگاه.
- بیضایی، بهرام(۱۳۴۴). **نمایشی در ایران**، تهران: کاویان.
- بیگ، فاطمه(۱۳۸۸). «نقش تربیتی سلام در قرآن». **مجله کوثر**، شماره ۳۰: ۸۴-۷۷.
- پارساپور، زهر(۱۳۸۱). **مقایسه زبان حماسی و غنائی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی**، تهران: دانشگاه تهران.
- پورنامداریان، تقی(۱۳۸۶). «انواع ادبی در شعر فارسی»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم**، شماره ۳: ۲۲-۷.
- پیرجمالی اردستانی و محمد جمال‌الدین(۱۳۷۶). **دیوان پیرجمالی اردستانی**، به تحقیق سیدابوطالب میرعابدینی، تهران: روزنه.
- جعفریان، رسول(۱۳۸۷). **اطلس شیعه**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جعفریان، رسول(۱۳۹۰). «میراث منظوم ادبی شیعه در خراسان قرن هشتم و نهم هجری». www.ical.ir بازیابی شده در سایت ۹۵/۱۰/۱.
- جنگ اشعار از شعرای گمنام(بی‌تا). **نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی**، شماره ۱۳۶۰۹.
- جنگ خزائن‌القصیده(بی‌تا). **نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی**، شماره ۴۹۹۱.
- چوبین، حسین(۱۳۷۸). «سلام در اسلام». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹: ۲۴۰-۲۳۰.
- خاقانی، افضل‌الدین(۱۳۸۵). **دیوان خاقانی شروانی**، تصحیح سیدضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار.
- خامه‌یار، احمد(۱۳۹۴). «فرائض‌نامه منظوم ابن‌حسام خوافی»، **فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق**، شماره ۳ و ۴: ۲۹۸-۲۷۱.
- خیریه، بهروز(۱۳۹۰). «مدح و رثای اهل‌بیت پیامبر در شعر کردی» در **مجموعه مقالات اولین همایش جلوه‌های فرهنگی استان کردستان**، سنج: دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- دولتشاه سمرقندی(۱۳۳۸). **تذکره الشعراء**، تهران: مؤسسه خاور.
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۲۵). **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: نشر سازمان لغت‌نامه.
- ذوالفقاری، حسن(۱۳۹۵). «حمله‌نامه؛ گونه‌ای از حماسه‌های دینی پس از شاهنامه» در **مجموعه مقالات همایش شاهنامه پس از شاهنامه دانشگاه فردوسی مشهد**، مشهد: به نشر.
- رزمجو، حسین(۱۳۷۰). **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رودکی، ابوعبدالله(۱۹۶۴). **رودکی (آثار منظوم) با ترجمه روسی**، تحت نظر براگینسکی، مسکو: اداره انتشارات دانش.

- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۸). **تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی** (تطور و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم)، تهران: سخن.
- زرقانی، سیدمهدی و قربان صباغ، محمودرضا (۱۳۹۵). **نظریه ژانر** (نوع ادبی). تهران: هرمس.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۹). **کلیات شیخ سعدی**، تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن (۱۳۹۰). **دیوان سلیمی تونی**، به کوشش عباس رستاخیز و مقدمه حسن عاطفی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شاه‌داعی شیرازی، نظام‌الدین محمود (۱۳۳۹). **کلیات شاه داعی شیرازی**، (ج۲). به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کانون معرفت.
- شعبی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی»، **مجله خرد و کوشش**، شماره ۱۱ و ۱۲: ۱۱۹-۹۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). **انواع ادبی**، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳). **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد ۵. تهران: ابن سینا.
- عبرت پژوهی تاریخی، وب سایت تخصصی. www.pishine.ir (بازیابی شده در سایت ۹۷/۷/۱۹).
- علاقها، زهرا (۱۳۸۸). «نمودهای گوناگون سوز هجران در ادب غنائی»، **مجله متن پژوهی ادبی**، شماره ۴۰: ۱۰۰-۷۹.
- علی بن احمد (بی‌تا). **جنگ علی بن احمد**، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۵۲۸.
- قاسم‌انوار، علی‌بن‌نصیر (۱۳۳۷). **کلیات قاسم انوار**، با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران: سنایی.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه در برابر گونه: بحثی در قلمرو نظریه انواع ادبی»، **مجله نقد ادبی**، شماره ۱۰: ۹۰-۶۳.
- قزوینی‌رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). **النقض**، به تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشی، حسن (۱۳۷۷). **تاریخ محمدی**، به کوشش رسول جعفریان. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- کاشی، حسن (۱۳۸۸). **دیوان حسن کاشی**، به کوشش عباس رستاخیز و مقدمه حسن عاطفی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کفاش، حمزه (۱۳۹۴). «بررسی ولایتنامه به‌مثابه گونه ادبی خاص شعر شیعی در قرن نهم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.
- لیمیرت، جان (۱۳۸۶). **تاریخ شیراز در عصر حافظ**، تهران: زوآر.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، جلد ۱ و ۲. تهران: نشر توس.